

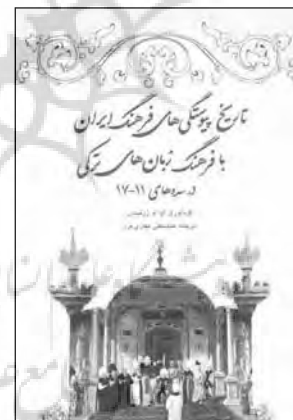
تاریخ پیوستگی های فرهنگ ایران با فرهنگ زبان های ترکی در سده های ۱۱-۱۷

بهزاد اصغری*

تاریخ و فرهنگ اجتماعی، از اواسط قرن بیستم مورد توجه بسیاری از اندیشمندان بود و این امر، خود ناشی از ورود اندیشه های ساختارشکن در علوم انسانی بوده است. توجه به امور پیش پا افتاده و خرد و حاشیه هایی که در متون تاریخی و ادبی مورد توجه واقع نمی شد، توسط اندیشمندانی چون فوکو، موجب باز شدن افق هایی جدید در علوم انسانی می گردید و از این طریق، منجر به بازشناسایی حوزه های مغفول اجتماعی و فرهنگی می شد. این امر با قرائت متفاوت متن توسط محقق و پژوهشگر، به طرح مواردی در حوزه های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می انجامید که معنای نهفته در متن آثار را آشکار می نمود. تاریخ پیوستگی های فرهنگی نیز جزء موارد مغفول تا چندین دهه پیش است، که اخیراً به آن توجه می شود و سعی می گردد جنبه های گوناگون این موضوع از لحاظ ادبی، فرهنگی، زبان شناسی و غیره تحلیل و تفسیر شود.

کتاب تاریخ پیوستگی های فرهنگ ایران با فرهنگ زبان های ترکی، مشکلی از مجموعه مقالات همایش «تاریخ روابط فرهنگی ایران و ترکیه»، است، که در ۱۴ و ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۸ به همت بخش مطالعات ترکی و مرکز تحقیقات ایرانی در دانشگاه آتواس لوراند (Eötvös Loránd) برگزار گردید و کوششی در جهت بازشناسایی حوزه هایی بود که در جهت پیوستگی های فرهنگ ایرانی با فرهنگ ترکی، کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته است.

اصطلاح «فرهنگی»، چنان که گردآورنده مقالات توضیح می دهد، زمینه های گوناگونی از روابط دوجانبه را شکل می دهد و به موضوعاتی فراتر از مسائل عینی تاریخی، نظیر عملیات نظامی



* تاریخ پیوستگی های فرهنگ ایران با فرهنگ
زبان های ترکی در سده های ۱۱-۱۷ (مجموعه مقالات)

* به کوشش اوا ام. ژرمیاس.

* ترجمه عباسقلی غفاری فرد.

* چاپ اول، تهران: امیرکبیر، سال ۱۳۸۶.

می‌پردازد (ص ۱۳). از این جهت، گردآورنده مقالات اشاره دارد که مقاله‌های حاضر در این کتاب، موارد گوناگونی از حوزه‌های فرهنگی و تاریخ پیوستگی‌ها را شامل می‌شود و از این رو، در صدد است ارتباط این مقاله‌ها با موضوع بحث را آشکار سازد. این کتاب شامل ۱۵ مقاله از محققین در جهت بازشناساندن ارتباط‌های فرهنگی و اجتماعی و پیوستگی‌های موجود مابین ترکان و ایرانیان است و جنبه‌های گوناگون این ارتباط را در یک حوزه وسیع جغرافیایی، از آسیای مرکزی و هند گرفته تا آسیای صغیر و حتی مجارستان، در بر می‌گیرد.

مقاله ابتدایی این مجموعه با نام «تیموری‌گرایی عثمانی: لامعی چلبی و شهرانگیز بوسای او»، نوشته میکله برناردینی، تلاشی در جهت مطالعه موردی از شهرانگیز بوسای لامعی است، که آن را در مقایسه با نمونه‌های ایرانی و تیموری آن، یعنی شهرآشوب‌ها، بررسی می‌کند. نویسنده در ابتدای مقاله با جملات کوتاه و مبهم (صص ۱۷ و ۱۸) در صدد است توضیح دهد که پیوستگی‌های تمدن عثمانی و عصر تیموری، به صورت آشکار قابل مشاهده نیست و این پیوستگی‌ها در نهایت جنبه‌های ایرانی را شامل می‌شود، که نویسنده تلاش می‌کند جنبه‌هایی از این رابطه را توضیح دهد. پیوستگی‌های فرهنگ‌های عثمانی و ایرانی، که در جای جای مقاله، از آن با نام فرهنگ تیموری یاد می‌شود، با تمرکز بر ظرفیت‌های ادبی و اثرپذیری زبانی عثمانیان از زبان ایرانی بررسی می‌شود. در این مقاله سعی می‌شود نشان داده شود که چگونه شعرا و نویسندگان عثمانی با اثرپذیری از شعرای ایرانی در زمان تیموری، چون جامی، هاتفی، عارفی و غیره، به خلق آثار خود دست زده‌اند و ویژگی ادبیات فارسی دوران تیموری، که از آن با عنوان واقع‌گرایی (رنالیسم) یاد می‌شود، را به عاریت گرفته‌اند (صص ۱۹-۲۰). اثرپذیری نویسندگان عثمانی از نویسندگان ایران دوره تیموری، همچنین در اثر مورد بررسی، یعنی شهرانگیز لامعی، نیز بررسی می‌شود و اشاره می‌گردد که این اثر متأثر از نوشته‌هایی است که از آن با نام «شهرآشوب»‌های دوره تیموری یاد می‌شود، که به توصیف عمومی درباره شهرها و زیبایی‌های آنها می‌پرداخته است.

نویسنده مقاله مدعی است شهرانگیز لامعی با تأثیر از روند موجود در شهرآشوب‌های ایران دوره تیموری، که از طریق ترجمه ترکی اصطلاح‌های فارسی و رعایت اسلوب شهرآشوب‌ها قابل مشاهده است (صص ۲۶ و ۲۷)، در توصیف شهرها با شکل‌گیری تعصب‌های افراطی که از آن با نام «میهن‌پرستی افراطی» یاد می‌کند به تکامل این گونه از ادبیات شهری کمک می‌نماید. این امر با بررسی اثر لامعی و ارائه اطلاعاتی که لامعی درباره شهر می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد و تحلیل‌هایی از توصیف‌های لامعی ارائه می‌گردد. در نهایت، نویسنده با نتیجه‌گیری از مباحثی که ارائه می‌کند، مدعی

می‌شود که عثمانیان، میراث‌بر ایران دوره تیموری‌اند، که نشانه آن، واقع‌گرایی موجود در آثار نویسندگان عثمانی است.

مقاله دیگر این مجموعه با نام «دو پیشگام جاده ابریشم: اورل اشتاین و سون هدین»، نوشته محقق برجسته، کلیفورد ادموند باسورث، است. در این مقاله سعی شده است تا توصیفی از سفرها، فعالیت‌ها و کشفیات باستان‌شناسانه مارک اورل اشتاین و سون اندرسن هدین، به عنوان پیشگامان مطالعه حوزه تاریخ و جاده ابریشم، ارائه گردد و از این طریق، ارتباطات متقابل خاور دور و خاور نزدیک، بررسی شود. اما نکته قابل توجه این است که در این مقاله، اشاره مستقیمی به ارتباط فرهنگی عثمانیان با ایرانیان، یا به طور کل، فرهنگ ایرانی با فرهنگ ترکی نشده و صرفاً تحلیلی از فعالیت‌های باستان‌شناسی این دو جست‌وجوگر در آسیای مرکزی و حوزه جاده ابریشم ارائه گردیده است.

«اولامه‌بی، صاحب‌منصب عثمانی، وابستگی‌هایش به ایران و در مرزهای مجارستان» عنوان مقاله‌ای است که توسط گنزا داوید نوشته شده است. این مقاله با بررسی فعالیت‌ها و مناصب سیاسی و نظامی اولامه‌بی، جهت‌گیری‌های متناوب سیاسی صاحب‌منصبان نظامی و سیاسی در دوره کشمکش بین عثمانی و ایرانی‌ها (دوره صفویان) را نشان می‌دهد و از این طریق در صدد است تا پیوستگی‌های تاریخی و اجتماعی این دو کشور را به عنوان نمایندگان فرهنگ ایرانی و ترکی نشان دهد.

مقاله «تماس‌های سده شانزدهم، تأثیر جنگ‌های عثمانی-ایران بر سیاست عثمانی در اروپای مرکزی»، نوشته پال فدر، به بررسی موقعیت عثمانی در جنگ‌های شرق و غرب در برابر ایران و اروپا و چگونگی اثرگذاری این جنگ‌ها بر یکدیگر پرداخته است. نویسنده با مطالعه روند سیاسی اروپای مرکزی در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ و قدرت‌گیری شاهزادگان مسیحی در مقابل پاپ و شروع سکولاریسم، که منجر به اصلاحات شد، به بررسی تغییراتی می‌پردازد که در سیاست اروپاییان در قبال مسلمانان به وجود آمد و از این طریق، به امپراتوری عثمانی اجازه استقرار در مرزهای اروپا را داد. نویسنده مدعی است با استقرار عثمانیان و توان‌یابی آنها در مقابل اروپاییان، سلاطین عثمانی به فکر تسلط بر دنیای آن روز می‌افتند؛ چنان که القابی در همین راستا انتخاب می‌کنند و از این رو، فعالیت‌های نظامی عثمانی در شرق در مقابل ایرانی‌ها و در غرب در مقابل اروپاییان، در جهت تبدیل ادعای نظری سیادت بر دنیا به جنبه عملی آن می‌باشد (ص ۷۳). در این مقاله همچنین به نقش ایران در کشمکش‌های عثمانی و تأثیری که در سیاست‌های عثمانی برای مقابله با شرق و غرب می‌نهاد، اشاره شده و از این طریق به روابط سیاسی و نظامی این دو فرهنگ توجه شده است. نقش ایران در گرایش اروپاییان برای پیدا نمودن متحدی در مقابل عثمانی، موجب

می‌گردید عثمانی‌ها گاهی در سیاست‌های تهاجمی و تدافعی خود تغییراتی اعمال نمایند، که نمونه آن، تأثیر منفی توانایی ارتش ایران بر فتوحات عثمانی در اروپای مرکزی بود. هر چند اتحاد علیه عثمانی توسط ایران و اروپا، بنا به دلایلی که نویسنده برمی‌شمرد، محقق نمی‌گردد، اما او نشان می‌دهد که قدرت‌گیری نهضت قزلباشان در ایران و اجبار عثمانی در جهت مقابله با آن، تأخیری در نقشه‌های عثمانی‌ها ایجاد می‌نمود که از آن به عنوان تأثیر ایران در جنگ‌های عثمانی در اروپا یاد می‌کند. به طور کلی، در این مقاله بیشتر به روابط سیاسی و نظامی ایران و عثمانی در قرن ۱۵ و ۱۶ توجه شده است تا پیوستگی‌های فرهنگی.

مقاله دیگر این مجموعه با نام «میرعلیشیر نوایی: بررسی "محاکمه"»، نوشته برت جی فراگنر می‌باشد که بررسی موردی دیگری است از پیوستگی‌های ادبی فرهنگ ایرانی و ترک، که در قالب دوزبانگی قابل مشاهده می‌باشد. نویسنده که آگاهانه تلاش می‌کند از استفاده از اصطلاح‌های معاصر برای دوران پیش از آن پرهیز نماید، وجود هوشیاری ملی در جوامع ماقبل معاصر را مطرح می‌سازد و در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال می‌باشد که آیا محاکمه اللغتین امیر علیشیر نوایی، نمونه‌ای از آگاهی از هویت جمعی است یا نه؟ فراگنر یادآوری می‌کند که ناحیه‌گرایی، لزوماً با قومیت‌گرایی در جامعه ماقبل معاصر مطابقت ندارد (ص ۸۶) و از این رو، در تحلیل‌های خود باید به این امر توجه نمود.

نویسنده با معرفی امیرعلیشیر نوایی به عنوان شخصیتی دوزبانه در فرهنگ مشترک ترکی و فارسی در سده‌های میانه، در صدد است با توجه به رابطه متقابل زبان فارسی و ترکی، مانند اثرپذیری نوایی

الاذردی در غازان نامه تلفیقی از افسانه و تاریخ را ارائه می‌کند که چارلز ملویل در صدد توصیف و تحلیل آن برمی‌آید. ملویل با مطالعه اثر مزبور، سعی در شناختن وقایع دوران غازان خان، همچون ملاقات غازان با شیخ زاهد دارد، که تحلیلی متفاوت از رابطه این دو را به دنبال دارد. همچنین نویسنده مقاله با بررسی غازان‌نامه الازردی، در صدد شناختن ماهیت مسلمان شدن مغول و مردم آسیای مرکزی و نحوه برخورد آنها با تغییر مذهبشان است

الاذردی در
تلفیق افسانه و تاریخ را
چارلز ملویل در

از عبدالرحمن جامی، دهلوی، نظامی، عطار، حافظ و غیره، پاسخ سؤال خود را از خلال اثر نوایی توضیح دهد. فراگنر در این مسیر به ویژگی‌های کار نوایی پرداخته و با توجه به جنبه‌های اجتماعی محاکمه اللغتین، این اثر را از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی نیز بررسی نموده و ارتباط آن با خصوصیات قومی را توضیح داده است. او از خلال این بررسی به این نتیجه می‌رسد که نوایی بیشتر به دنبال برتری ترک‌ها بر ایرانیان بوده است تا برتری زبان ترکی بر فارسی، و در نهایت اینکه محاکمه اللغتین نمی‌تواند به عنوان اثری ملی‌گرایانه در میان ترک‌های نخستین و بر اساس تفاهم زبانی در نظر گرفته شود؛ بلکه این اثر بیشتر ناشی از آگاهی فردی در نوشته‌های ماقبل معاصر می‌باشد.

«تیمور و سلسله‌های محلی در ایران»، عنوان مقاله دیگر این مجموعه است که توسط یاکاگوگوتو به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله، آنچنان که مؤلف می‌گوید، به بررسی سه سلسله سرداران در خراسان، مرعشیان در مازندران و کیاها در گیلان، به عنوان نمونه‌هایی در ارتباط با سیاست تیمور نسبت به سلسله‌های محلی، پرداخته شده است. این امر از طریق بررسی وضعیت حکومت، وضع جانشینی، مشروعیت، و چگونگی ارتباط این سلسله‌های محلی با تیموریان، که ناشی از توجه تیمور به اهمیت قلمروهای محلی و رابطه شخصی حاکم قلمروها با تیمور بود (ص ۱۱۵)، انجام می‌گیرد. این مقاله صرفاً در حوزه روابط سیاسی و نظامی قابل بررسی است و به مسئله پیوستگی‌های فرهنگی دو فرهنگ ایرانی و ترکی اشاره‌ای ندارد.

مقاله دیگر این مجموعه، «کمال پاشا در جایگاه یک زبان‌شناس» نام دارد، که توسط اوا ام. ژرمیاس نگاشته شده است. ژرمیاس در این مقاله سعی دارد از طریق بررسی موردی دستور زبان فارسی، نوشته کمال پاشازاده ترک، که در قرن ۱۵ یا ۱۶ نگاشته شده است، به ارتباط فرهنگی مابین فرهنگ ترک و ایرانی اشاره نماید. نویسنده با بررسی سابقه نگارش دستور زبان فارسی و مقایسه آن با هندی و عربی، در صدد است آمیختگی نگارش دستور زبان فارسی با اصطلاحات دانش عربی را توضیح دهد و از طریق توصیف ویژگی‌های دستور زبان فارسی از دیدگاه کمال پاشازاده، به تحلیل و توصیف دستور زبان فارسی بپردازد. نویسنده در نقد نظریات پاشازاده مدعی است که او بر طبق اصول دستور زبان‌نویس‌های عرب، به توصیف دستور زبان فارسی پرداخته و از این رو مرتکب اشتباهاتی گردیده است. ژرمیاس با آوردن نمونه‌هایی از اشتباهات کمال، مثلاً درباره «رابط» در زبان فارسی، به نقد نظریات کمال پرداخته است (ص ۱۴۸). نویسنده با بررسی دستور زبان فارسی‌ای که توسط یک ترک نگاشته شده، سعی نموده است به نزدیکی‌های موجود مابین این دو فرهنگ اشاره نماید و از این طریق، احساس

از متن اصلی کتاب «تاریخ و فرهنگ ایران» فادار مانده است؛ اما در این راه گاهی دچار اشتباه شده

مترجم نثری و روان از متن اصلی را ارائه می‌کند و تا آنجا که توانسته، به مفهوم نیز وفادار مانده است؛ اما در این راه گاهی دچار اشتباه نیز شده است. مترجم کتاب در ترجمه، بدون دادن زیرنویس برای اصطلاحات و اسامی خاص، گاهی موجب سردرگمی خواننده می‌شود. همچنین گاهی با ترجمه نامانوس و نامناسب از اصطلاح‌های رایج علمی، نوعی تشویش را در متن باعث می‌شود

ایشوان نیاترای است که به روابط سیاسی صفویان و امپراتوری عثمانی اختصاص دارد. نویسنده در این مقاله تلاش دارد دو دهه مبهم روابط سیاسی ایران و عثمانی - مابین سال‌های ۱۵۵۵ تا ۱۵۷۸ - را بررسی کند. تقسیم‌بندی‌ای که او از تاریخ روابط سیاسی این دو کشور ارائه می‌کند، بر اساس تقسیم‌بندی آدل آلوشه (Adel Allouch) است، که مرحله اول، یعنی تا جنگ چالدران، را دوره سیاست تهاجمی صفویان، و مرحله دوم، یعنی از جنگ چالدران به بعد، را دوران تهاجم عثمانی می‌داند. نیاترای مرحله سوم را در این تقسیم‌بندی قائل می‌شود که از آن با نام «مرحله جنگ ایدئولوژی» یاد می‌کند (ص ۲۱۲). او مدعی است در این دوره، که بعد از صلح در آماسیه شروع می‌شود، کشمکش‌های ایران و عثمانی از طریق سلاح‌های ایدئولوژیکی ادامه می‌یابد.

نویسنده از طریق بررسی ماهیت هدایایی که فرمانروایان دو کشور برای یکدیگر می‌فرستند و یا انتخاب القاب، در صدد توضیح چگونگی ادامه کشمکش‌ها در سطح نظری است. فرستادن شاهنامه از طرف شاه تهماسب صفوی برای سلطان سلیم، که در آن سرانجام ایرانیان بر تورانیان پیروز می‌شوند و انتخاب القابی چون «صاحب‌قران»، یعنی فاتح جهان، توسط سلاطین عثمانی در این راستا تحلیل می‌شوند. همچنین شکل‌گیری دفتر «بنیاد شاهنامه‌چی» در استانبول به دستور سلیمان اول، که مسئول به نظم کشیدن تاریخ امپراتوری عثمانی به سبک و شیوه شاهنامه فردوسی است، از دیگر مسائل مورد توجه است که در جهت توضیح چگونگی پیوستگی‌های سیاسی و فرهنگی این دو کشور ارائه می‌گردد.

«ترکیب قومی نجبای ایرانی در دربار اکبر (۱۵۷۴-۱۶۰۵)» مقاله دیگر این مجموعه است که توسط بندیک پری به رشته تحریر

لزم ایجاد ارتباط مابین این دو فرهنگ را با بررسی این کتاب توضیح دهد.

عنوان مقاله دیگر این مجموعه، «کتابخانه سلطان بایزید دوم» نام دارد که توسط نیکلاس مرآت به رشته تحریر درآمده است. مرآت با بررسی نسخه‌های خطی از فهرست کتابخانه سلطان بایزید دوم، که به دلیل علاقه بایزید به کتب علوم دینی تهیه شده بود، به بررسی وضعیت کتابخانه بایزید و کتب موجود در آن می‌پردازد. نویسنده هرچند اطلاعات کمی از کتابخانه در اختیار قرار می‌دهد، اما بررسی دقیقی از کتب موجود در این کتابخانه ارائه می‌کند و با بازشمردن کتب موجود، به ساختار کتابخانه توجه می‌کند.

ژرمیاس از طریق بررسی فهرست کتابخانه، به سنجشی از موضوعات و زبان کتاب‌ها دست می‌یابد و از این طریق، تحلیلی از وضعیت فرهنگی امپراتوری عثمانی ارائه می‌کند. وجود کتب فارسی فراوان و برتری آنها بر کتب مغولی و ترکی، نویسنده را به این واقعیت رهنمون می‌کند که زبان فارسی نقش مهمی در حیات علمی و - به تعبیر نویسنده - حیات روشنفکری امپراتوری عثمانی بر عهده داشته است و از این رو، مدعی است که مردان فرهیخته عثمانی، عموماً کتبی را که به زبان عربی و فارسی بوده است، می‌خواندند. در نهایت، نویسنده با تحلیل یکی از بخش‌های کتابخانه بر اساس فهرست آن، نتیجه می‌گیرد که فرمانروایان عثمانی علاقه خاصی به تاریخ مردم ترک‌زبان نشان می‌دادند و از این طریق، آنها می‌توانستند در پایان سده ۱۵ میلادی به آفرینش فرهنگ ملی خود دست یابند. «تاریخ و افسانه: ایرانی شدن غازان‌خان» عنوان مقاله دیگری است که توسط چارلز ملویل نوشته شده است. این مقاله به بررسی بخشی از دوران سلطنت غازان‌خان، فرمانروای ایلخانی ایران، بر اساس منظومه‌ای با نام غزان‌نامه، نوشته خواجه نورالدین الاژدری می‌پردازد که تاریخی است منظوم و به سبک شاهنامه، در ۲۰۰۰ بیت. این منظومه در صدد پیوند دادن اربابان مغول خود با پادشاهان ایرانی است و از این طریق، دوران غازان‌خان را مرحله‌ای نوین در تاریخ پادشاهی ایران تلقی می‌کند.

الاژدری تلفیقی از افسانه و تاریخ را ارائه می‌کند که چارلز ملویل در صدد توصیف و تحلیل آن برمی‌آید. ملویل با مطالعه اثر مزبور، سعی در شناختن وقایع دوران غازان‌خان، همچون ملاقات غازان با شیخ زاهد دارد، که تحلیلی متفاوت از رابطه این دو را به دنبال دارد. همچنین نویسنده مقاله با بررسی غزان‌نامه الاژدری، در صدد شناختن ماهیت مسلمان شدن مغول و مردم آسیای مرکزی و نحوه برخورد آنها با تغییر مذهبشان است؛ هرچند درباره این امر اطلاعات زیادی در اختیار نمی‌نهد.

مقاله دیگر این مجموعه، با نام «سومین وهله از کشمکش عثمانی - صفوی: جنگ ایدئولوژی‌های سیاسی (۱۵۵۵-۱۵۷۸)»، نوشته

درآمده است. این مقاله به بررسی ترکیب قومی مختلط در دربار اکبر شاه گورکانی در هند می‌پردازد و ارتباط‌های موجود بین فرهنگ‌های درگیر در این دربار را تحلیل می‌نماید. نویسنده با اشاره به سابقه زبان‌های ترکی و فارسی در دربار هند و چگونگی رواج آن، توصیفی از سنت‌های مرسوم در این دربار را ارائه می‌نماید و به چگونگی برخورد این دو عنصر، یعنی ایرانیان و ترکان، توجه می‌کند که امپراتوران مغول در جهت ایجاد توازن قدرت به کار می‌بردند. پری با بررسی القاب، وابستگی‌های قومی، خانوادگی و اداری را در دربار اکبر شاه نشان می‌دهد و از این طریق به ترکیب قومی فرقه ایرانی در هند دست می‌یابد و نهایتاً ایرانی‌ها را در سه گروه عمده قومی، شامل ایرانیان عضو خاندان صفوی، ترکمانان و ترکان خراسانی، قرار می‌دهد.

«مرز چیست؟ ترسیم نقشه کردستان میان عثمانی‌ها و صفویه» عنوان مقاله دیگری است که به ارتباطات اجتماعی و فرهنگی بر اساس یک عامل مشترک قومی مابین دو کشور می‌پردازد. والتر پوش، نویسنده این مقاله، موقعیت کردستان و اقوام کرد را از دیدگاه مرزی میان عثمانی و صفوی بررسی می‌کند. این امر با مقایسه مرزهای عثمانی در شرق با ایران و در غرب با مجارستان صورت می‌گیرد و با توصیف مناطق مرزی و بازسازی آن، به عامل مشترک کردها که در این مرزها قرار داشتند، در ارتباط بین این دو کشور توجه می‌نماید. توجه به نقش شهرها و ویژگی‌های نظامی و استحکامات آنها و اقوام کردی که در آنها جای گرفته بودند، به تحلیلی از برخوردها و ارتباطات مابین امپراتوری عثمانی و حکومت صفوی منجر می‌گردد که متأثر از حضور و فعالیت‌های این اقوام در مرزهای مشترک است. این امر منجر به بازتعریف مفهوم مرز و ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌گردد.

مقاله دیگر این مجموعه با نام «آیا تاجلو خانم در جنگ چالدران توسط عثمانی‌ها اسیر شد یا نه؟»، نوشته محقق نامدار، راجر سیوری است که به مسئله اسارت تاجلو خانم، همسر اسماعیل‌شاه، در جنگ چالدران و روایات مختلفی که حول این قضیه شکل گرفته است، می‌پردازد. سیوری با بررسی اسناد و روایات مختلف، هم از روایان ایرانی و هم از روایان عثمانی، توصیفی از وقایع پیش‌آمده بر تاجلوخانم را ارائه می‌دهد و با تکیه بر روایات موجود و وقایع پیش‌آمده بعد از جنگ چالدران و با تحلیل شواهد، نتیجه می‌گیرد که اسارت بهروزه خانم، یکی از زنان اسماعیل‌شاه، با وقایع پیش‌آمده برای تاجلو خانم، زن دیگر اسماعیل‌شاه، خلط شده است و چنان که روایات ایرانی اشاره دارند و گزارش آنجیللو سیاح ایتالیایی نیز آن را تأیید می‌کند، تاجلو خانم در اسارت عثمانی‌ها نبوده است و این بهروزه خانم بوده که به اسارت عثمانی‌ها در آمد و مجبور به ازدواج با جعفر چلبی قاضی عسگر گردید. نویسنده در

این مقاله تحلیلی سیاسی از یک واقعه نظامی و سیاسی بر اساس شواهد تاریخی، ارائه می‌دهد که در حوزه تاریخ سیاسی و نظامی قابل بررسی می‌باشد.

«موسیقی درباری ترکی در سده ۱۶ تحت حکومت عثمانی در مجارستان» عنوان مقاله‌ای است از بلاترس شودار که به مطالعه موسیقی درباری حکومت عثمانی می‌پردازد. نویسنده با تأکید بر اینکه موسیقی، معیاری از زندگی فرهنگی می‌باشد، در صد بازشناسایی ارزش موسیقی درباری است. او با تقسیم موسیقی به سه زمینه مذهبی، نظامی و درباری، به تحلیلی از موقعیت هر یک از این گونه‌های موسیقی دست می‌یازد و از این طریق تلاش می‌کند نشان دهد که موسیقی درباری، عاملی است که موسیقی علمی کهن با تمام شکوه در آن به مرحله عمل دست یافته است (ص ۲۸۸).

شودار با بیان ویژگی موسیقی ترکان، آن را متأثر از ویژگی موسیقی فارسی می‌بیند؛ اما در توضیح این امر، به پیوستگی‌های ایجادشده توسط موسیقی مابین ترکان عثمانی و مجارستان می‌پردازد و از رابطه و پیوستگی مابین فرهنگ‌های ایرانی و ترکی سخنی به میان نمی‌آورد.

«مراحل اولیه سواد ترکی غربی در آناتولی و ایران (سده‌های ۱۳-۱۴)» عنوان آخرین مقاله این مجموعه است که توسط ایشنتوان واشاری به رشته تحریر درآمده است. این مقاله به بررسی همزیستی دو گروه اجتماعی، یعنی ایرانیان کشاورز و یکجانشین و ترکان گله‌دار کوچ‌رو، می‌پردازد و توصیفی از شکل‌گیری زبان ادبی ترکی را ارائه می‌کند. نویسنده با مطالعه زبان ترکی، دو گونه از این زبان، یعنی زبان ادبی ترکی شرقی و زبان ادبی ترکی غربی، را شناسایی می‌کند که هر کدام با توجه به زمینه شکل‌گیری و موقعیت قرار گرفتن گویش‌وران آن، سبیری متفاوت را طی می‌کنند. واشاری در این مقاله با بررسی‌های زبان‌شناختی و نقد آثار پیشینیان، تلاش می‌کند از طریق بیان نزدیکی‌های زبانی، به تحلیل پیوستگی‌های تاریخی این دو فرهنگ بپردازد؛ اگرچه در پاسخ‌گویی به سؤالاتی که طرح می‌کند، به صورت شفاف عمل نمی‌نماید.

اما در نهایت، درباره ترجمه این کتاب باید گفت که مترجم نثری سلیس و روان از متن اصلی را ارائه می‌کند و تا آنجا که توانسته، به مفهوم نیز وفادار مانده است؛ اما در این راه گاهی دچار اشتباه نیز شده است. مترجم این کتاب در ترجمه، بدون دادن زیرنویس برای اصطلاحات و اسامی خاص (ص ۲۰)، گاهی موجب سردرگمی خواننده می‌شود. همچنین گاهی با ترجمه نامانوس و نامناسب از اصطلاح‌های رایج علمی (صص ۳۷ و ۹۴)، نوعی تشویش را در متن باعث می‌شود. اما به طور کلی، متنی روان و قابل‌فهم ارائه کرده است.